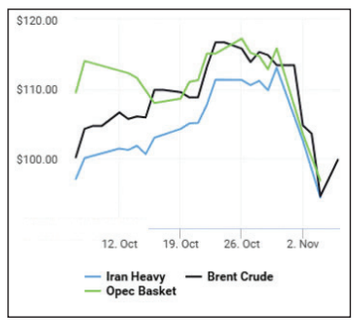
تحلیل

قیمت نفت به روند صعودی خود ادامه می‌دهد



قیمت نفت پس از بهبود در روز پنجشنبه، در معاملات روز جمعه که معامله‌گران در حال سنجش چشم‌انداز پایان جنگ در خاورمیانه بودند، افزایش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت نفت برنت پس از افزایش حدود ۴درصدی در معاملات روز گذشته، به ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسید و دوره بی‌ثباتی را که طی آن، قیمت‌ها از دوشنبه حدود ۱۹ دلار نوسان داشته‌اند، ادامه داد. با وجود این افزایش، نفت برنت از ابتدای هفته جاری تاکنون، حدود ۱۵ درصد کاهش یافته و در مسیر ثبت بزرگ‌ترین کاهش هفتگی از آوریل ۲۰۲۰ قرار دارد. قیمت نفت برنت برای تحویل در ماه ژانویه با ۱.۳ درصد افزایش، به ۹۹ دلار و ۵۶ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) امریکا برای تحویل در ماه دسامبر، با ۰.۹ درصد افزایش، به ۹۱ دلار و ۳۲ سنت در هر بشکه رسید. هر دو شاخص نفت برنت و وست تگزاس اینترمدیت امریکا پس از اعلام پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا و امیدها به پایان جنگ در خاورمیانه، روز چهارشنبه بیش از ۸ درصد سقوط کرده و به پایین‌ترین سطح خود از ۳۱ اوت رسیده بودند. تجاوز نظامی به ایران که ترامپ در ماه فوریه در کنار رژیم صهیونیستی آغاز کرد و در نتیجه آن قیمت سوخت برای مصرف‌کنندگان امریکایی افزایش یافت، از نارضایتی‌های اصلی رای‌دهندگان و عامل شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات اخیر بود. قیمت نفت برنت در ماه اکتبر به بالاترین حد خود در شش ماه گذشته رسید، زیرا دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا تهدید کرد پس از انتخابات میان‌دوره‌ای، حملات علیه ایران را تجدید کند، اما کنترل دموکرات‌ها بر هر دو مجلس کنگره ممکن است توانایی دولت او برای انجام اقدامات نظامی بیشتر را محدود کند. براساس گزارش بلومبرگ، صادرات فرآورده‌های نفتی از خلیج‌فارس همچنان محدود است. این اختلالات، همراه با تشدید حملات او کراین به پالایشگاه‌های روسیه، به افزایش قیمت‌ها کمک کرده است. پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای، ترامپ و ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، توافقی برای آزادسازی گازوییل روسیه به بازارهای جهانی امضا کردند که بخشی از تلاش‌های رییس جمهور امریکا برای مهار افزایش قیمت‌ها بود. طبق داده‌های ردیابی کشتی، یک کشتی حامل گازوئیل روسیه ممکن است روز شنبه به نیویورک برسد. وزارت خزانه‌داری امریکا ماه گذشته معافیتی صادر کرد که اجازه می‌دهد سوخت روسیه تا آوریل آینده به این کشور وارد شود.

خبر

معافیت مالیاتی برای واردات بنزین ویژه

با ادامه سیاست حمایتی دولت از واردات بنزین ویژه در سال ۱۴۰۵ واردکنندگان این فرآورده از پرداخت پنج نهم سهم دولت از مالیات بر ارزش افزوده معاف شدند. به گزارش ایسنا، سیاست‌های مالیاتی دولت در حوزه واردات فرآورده‌های نفتی، امسال نیز با یک استثنا برای بنزین ویژه همراه شده است. براساس بخشنامه دفتر واردات گمرک ایران و با استناد به نامه سازمان امور مالیاتی کشور درباره نحوه وصول مالیات بر ارزش افزوده واردات قطعی این کالا، واردات بنزین ویژه از پرداخت پنج نهم سهم دولت از مالیات بر ارزش افزوده معاف شده است. این تصمیم در ادامه حکمی اتخاذ شده که پیش‌تر در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ نیز برای واردات این نوع بنزین پیش‌بینی شده بود. اکنون با استناد به احکام مالیاتی قانون بودجه سال ۱۴۰۵ معافیت مذکور برای سال جاری نیز تداوم یافته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد حمایت مالیاتی از واردات بنزین ویژه دست‌کم در دو سال متوالی در سیاست‌گذاری بودجه‌ای کشور مورد توجه قرار گرفته است. اما نکته مهم در این بخشنامه، ماهیت معافیت در نظر گرفته‌شده است؛ چراکه برخلاف تصور اولیه، واردات بنزین ویژه به‌طور کامل از مالیات بر ارزش افزوده معاف نشده و صرفاً سهم دولت از این مالیات حذف شده است. مطابق قانون، نرخ مالیات و عوارض انواع بنزین ۳۰ درصد تعیین شده که پنج‌نهم آن به دولت و چهارنهم دیگر به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها اختصاص دارد. بر این اساس، با اعمال معافیت جدید، واردکنندگان بنزین ویژه از پرداخت حدود ۱۶.۷ درصد سهم دولت معاف می‌شوند، اما همچنان باید سهم مربوط به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، معادل حدود ۱۳.۳ درصد، را پرداخت کنند. تداوم این معافیت را می‌توان از منظر کاهش هزینه‌های واردات و ایجاد انگیزه برای ورود بنزین ویژه به بازار داخلی بررسی کرد. در شرایطی که واردات فرآورده‌های نفتی با هزینه‌های ارزی و تجاری همراه است، حذف بخشی از بار مالیاتی می‌تواند از هزینه تمام‌شده واردات بکاهد و برای واردکنندگان جذابیت بیشتری ایجاد کند. از این منظر دولت باصرف‌نظر کردن از بخشی از درآمد مالیاتی خود، عملاً زمینه را برای تسهیل واردات این فرآورده فراهم می‌کند؛ سیاستی که البته ارزیابی میزان موفقیت آن به عواملی فراتر از معافیت مالیاتی، از جمله قیمت تمام‌شده واردات، شرایط عرضه و تقاضا و سازوکار توزیع بنزین ویژه بستگی دارد. با این حال باید توجه داشت که کاهش هزینه مالیاتی واردکنندگان لزوماً به معنای کاهش قیمت بنزین ویژه برای مصرف‌کننده نهایی نیست. میزان اثرگذاری این معافیت بر قیمت عرضه، به نحوه قیمت‌گذاری و انتقال منافع حاصل از کاهش هزینه‌ها به بازار بستگی دارد. از سوی دیگر، تداوم دریافت چهارنهم سهم مالیات و عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نشان می‌دهد که معافیت جدید به معنای حذف کامل تعهدات مالیاتی واردکنندگان نیست. در واقع، دولت تنها از بخشی از درآمد مالیاتی خود صرف‌نظر کرده و سهم مدیریت شهری و روستایی از این محل همچنان حفظ شده است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که مالیات و عوارض مربوط به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها یکی از منابع درآمدی پیش‌بینی‌شده برای مدیریت محلی است و حذف آن می‌توانست بر منابع این بخش اثرگذار باشد.

«تعادل» از دلارهای نفتی در چرخ‌دنده‌های پالایش گزارش می‌دهد

برندگان پنهان آشوب انرژی!



گلناز پرتوی‌مهر |

هر بشکه نفتی که در پالایشگاه‌های امریکا به گازوییل و بنزین تبدیل می‌شود، این روزها دو صورت‌حساب متفاوت دارد؛ یکی برای راننده‌ای که پای پمپ بنزین ایستاده و دیگری برای سهامداری که صورت‌های مالی پایان فصل را ورق می‌زند. در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶، اکسون‌موبیل و شورون روی هم ۲۷.۹ میلیارد دلار سود ثبت کردند؛ رقمی که به زبان ساده‌تر، روزی حدود ۳۰۳ میلیون دلار است. این درآمد در فصلی به دست آمد که قیمت گازوییل در امریکا رکورد تاریخی زد و خانوارها برای پر کردن باک خودروی خود عمیقاً دست در جیب می‌کنند. فاصله میان این دو عدد، تصویر واقعی بحران انرژی امروز است؛ بحرانی که برای بخشی از اقتصاد هزینه و برای بخش دیگری فرصت می‌سازد. برای فهم اندازه فشار بر مصرف‌کننده امریکایی، کافی است به قیمت خرده‌فروشی گازوییل نگاه کنیم. متوسط قیمت این فرآورده در هفته منتهی به ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ به ۶.۵۳ دلار در هر گالن رسید؛ بالاترین رقم هفتگی از سال ۱۹۹۴ که ثبت این سری آماری در سازمان اطلاعات انرژی امریکا آغاز شد. این رقم نه یک جهش مقطعی، بلکه نتیجه نیم سال اختلال پیاپی در بازار فرآورده‌ها است. بنزین هم از این موج بی‌بهره نماند و در سال جاری میلادی ماه‌ها بالای سطح آشنای خود معامله شد. آنچه این دوره را از بحران‌های پیشین متمایز می‌کند، فاصله بی‌سابقه میان گازوییل و بنزین است.

بررسی‌های بانک فدرال رزرو دالاس نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان امریکایی در دهه‌های گذشته نیز قیمت‌های بالای سوخت را تجربه کرده‌اند، اما هیچ‌گاه گازوییل این‌قدر از بنزین گران‌تر نشده بود؛ گازوییلی که سوخت کامیون، ماشین کشاورزی، قطار و موتور محرک حمل‌بار است و گرانی آن بی‌درنگ روی قیمت کالاهای روی قفسه فروشگاه‌ها می‌نشیند. اینجاست که دامنه ماجرا از پمپ بنزین فراتر می‌رود. وقتی هزینه حمل‌ونقل هر محموله بالا می‌رود، هزینه زندگی برای همه، حتی آنهایی که خودروی شخصی ندارند، گران‌تر می‌شود، به همین دلیل کارشناسان بانک دالاس هشدار داده‌اند که تا زمانی که بخش قابل توجهی از ظرفیت پالایش جهان خارج از مدار بمانند، معیارهای عمومی تورم می‌توانند بالاتر از سطحی بمانند که روند قیمت نفت خام به‌تنهایی توضیح می‌دهد.

در نگاه اول، سود میلیاردی شرکت‌های نفتی در فصل گرانی سوخت، تصویر آشنای «دلالان جنگ» را تداعی می‌کند. اما ریاضیات صورت‌های مالی چیز دقیق‌تری می‌گوید: برنده اصلی این فصل، چاه‌های نفت نبودند، پالایشگاه‌ها بودند. اکسون‌موبیل در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ سود تعدیل‌شده‌ای معادل ۱۷.۵ میلیارد دلار ثبت کرد؛ حدود دو برابر دوره مشابه سال قبل، در حالی که سود استاندارد حسابداری آن ۱۵.۴ میلیارد دلار بود. نکته مهم‌تر ترکیب این سود است: برای نخستین‌بار در چند سال گذشته، بخش پالایش و فرآورده این شرکت با ۹.۱ میلیارد دلار سود تعدیل‌شده از بخش تولید و استخراج نفت با ۷.۳ میلیارد دلار پیشی گرفت. بر مبنای حسابداری استاندارد نیز پالایش با اختلافی نزدیک، اما معنادار، جلو افتاد.

تا پیش از این فصل، بالادستی بر پایین‌دستی حکومت می‌کرد. شورون هم همین مسیر را رفت، هرچند با فاصله‌ای بیشتر میان دو بخش. سود کل این شرکت به ۹.۹ میلیارد دلار و سود تعدیل‌شده آن به ۱۰.۴ میلیارد دلار رسید، در برابر ۳.۵ میلیارد دلار سال قبل. سود بخش پایین‌دستی شورون به ۴.۹ میلیارد دلار جهش کرد؛ در حالی که سال گذشته تنها ۱.۱ میلیارد دلار بود. این چهار برابر شدن، تنها در یک سال، نشان می‌دهد که سودآوری از کدام جیب بیرون آمده است. مکانیزم هم روشن است. حاشیه پالایش اکسون، یعنی فاصله میان بهای نفت خام و قیمت فرآورده‌ها، از ۱۷.۵ دلار در هر بشکه در سال گذشته به ۵۰.۳ دلار رسید و شاخص سراسری حاشیه پالایش امریکا در ۲۲ سپتامبر به رکورد ۷۲.۶۴ دلار در هر بشکه صعود کرد. پالایشگاه‌های ساحل خلیج مکزیک اکسون در تمام فصل با ظرفیت کامل کار کردند و پالایشگاه‌های امریکایی شورون با بهره‌برداری حدود ۹۸ درصد، رکورد تازه‌ای در پالایش نفت خام ثبت کردند. یعنی شرکت‌ها نه با افزودن به حجم تولید، بلکه با فشردن تمام ظرفیت موجود و فروش فرآورده در بازاری کم‌عرضه، سود ساختند. برای اینکه بفهمیم چرا حاشیه پالایش این‌قدر باز شده، باید از پمپ بنزین فاصله بگیریم و به نقشه جهان نگاه کنیم. برآوردهای صنعتی می‌گوید از اواخر بهار امسال، بین ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز از ظرفیت پالایش جهان از مدار خارج شده است؛ رقمی که تا حدود ۱۰ درصد کل ظرفیت پالایش دنیا را تشکیل می‌دهد. پشت این عدد، چند ضربه هم‌زمان پنهان است. حملات پهپادی اوکراین به زیرساخت‌های انرژی روسیه، در طول تابستان ۲۰۲۶ کارایی خود را به‌شدت افزایش داد و در مقاطعی تا ۶۰ درصد از ظرفیت پالایش روسیه را زیر فشار برد، به‌گونه‌ای که بر اساس داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی، پالایش نفت خام و صادرات فرآورده روسیه در مجموع حدود ۱.۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. مسکو در واکنش، صادرات فرآورده را محدود کرد تا کمبود داخلی را جبران کند؛ تصمیمی که عرضه جهانی را تنگ‌تر کرد.

در این میان، بسته شدن تنگه هرمز در مارس ۲۰۲۶ ضربه‌ای دیگر بود. این تنگه که روزانه حدود ۵ میلیون بشکه صادرات فرآورده خلیج‌فارس از آن می‌گذشت، عملاً مسیر جریان سوخت به بازارهای آسیا و اروپا را مختل کرد و براساس داده‌های مقدماتی، حجم پالایش نفت خام در پالایشگاه‌های خاورمیانه را از فوریه تا اوت حدود ۲ میلیون بشکه در روز کاهش داد. چین نیز برای حفظ ذخایر داخلی، واردات نفت خام خود را بیش از ۵ میلیون بشکه در روز کاهش داد و صادرات فرآورده را محدود کرد. مجموع این ضربه‌ها یک بحران پالایشی ساخته، نه فقط بحران نفت خام. شاهدش هم ذخایر است: نفت ذخیره راهبردی امریکا در سپتامبر به ۲۸۴ میلیون بشکه رسید؛ کمترین سطح از ۱۹۸۲. ذخایر تجاری نفت و فرآورده امریکا نیز در پایین‌ترین سطح چند سال گذشته قرار گرفته و همین، حاشیه امن بازار را از بین برده است. کمبود جهانی ظرفیت، فقط قیمت فرآورده را بالا نمی‌برد؛ جغرافیای نفت خام را هم به نفع امریکا تغییر می‌دهد. در همین فصل، فاصله قیمتی میان نفت برنت و نفت وست تگزاس اینترمدیت به اوج خود در سال جاری میلادی رسید؛ شکافی که هزینه خوراک پالایشگاه‌های اروپایی را بالا می‌برد و در مقابل، خوراک ارزان‌تری در اختیار پالایشگاه‌های ساحل خلیج مکزیک و غرب میانه امریکا می‌گذارد. در کنار آن، نفت سنگین کانادا با تخفیف قابل توجه نسبت به وست تگزاس در بازار غرب میانه عرضه می‌شود.

کانادا روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت به امریکا می‌فرستد و بخش عمده آن به پالایشگاه‌های همین منطقه می‌رسد؛ پالایشگاه‌هایی که سال‌هاست برای پردازش نفت سنگین طراحی شده‌اند و حالا هم خوراک ارزان دارند و هم فرآورده گران می‌فروشند. این ترکیب، همان چیزی است که اقتصاددان‌ها آن را «حاشیه سود ساختاری» می‌نامند. به این معادله، واردات از ونزوئلا را هم اضافه کنید. جریان نفت خام امریکا از ونزوئلا در سال جاری میلادی به‌شدت پرنوسان بوده و پس از فراز و فرودهای سیاسی، شرکت شورون همچنان از طریق مشارکت‌های مشترک در این کشور فعال است و برنامه دارد در پنج سال آینده حدود ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند. این شرکت در سه‌ماهه سوم، نخستین ماه تولید از ونزوئلا را پس از تغییر روش حسابداری خود ثبت کرد و افزایش برداشت از این کشور در رشد سود بین‌المللی‌اش نقش داشت. نکته کلیدی این است که هیچ‌کدام از این مزیت‌ها از آسمان نیامده؛ نتیجه سال‌ها سرمایه‌گذاری در پالایشگاه، خط لوله و شبکه حمل بوده که امریکا را در موقعیتی قرار داده تا از بحران دیگران، سود خودش را بیرون بکشد. در پایان این فصل، یک واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت: بحران انرژی هزینه دارد و این هزینه، عادلانه تقسیم نشده است. بخشی از سود اکسون‌موبیل و شورون به‌شکل مالیات، حقوق کارکنان، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید و بازده سهام به اقتصاد امریکا بازمی‌گردد. اکسون در همین سه‌ماهه ۹.۴ میلیارد دلار به سهامداران خود پرداخت کرد و شورون بدهی خود را ۳.۵ میلیارد دلار کاهش داد. اما این بازگشت منافع ماهیتاً نامتقارن است: سود سهامی به کسی می‌رسد که سهام دارد، حقوق به کسی که در صنعت شاغل است، و مالیات به بودجه‌ای که پرداخت‌های عمومی را تأمین می‌کند. در مقابل، گرانی گازوییل و بنزین همه خانوارهای امریکایی را بدون استثنا هدف می‌گیرد؛ به‌ویژه خانوارهای کم‌درآمد که سهم بزرگ‌تری از بودجه‌شان صرف سوخت و حمل‌ونقل می‌شود. فشار سیاسی هم بی‌واکنش نمانده و پس از انتشار سودهای فصل دوم، دولت امریکا از دو شرکت خواست قیمت خرده‌فروشی بنزین را پایین بیاورند. ریسک اصلی در افق پیش رو است. هرگونه گشایش در پرونده تنش‌های خاورمیانه می‌تواند به تعدیل شدید قیمت‌ها منجر شود و حاشیه سود شرکت‌هایی را که در شرایط کمبود عرضه از قیمت‌های بالای فرآورده بهره برده‌اند زیر فشار بگذارد. با این حال، بانک فدرال رزرو دالاس هشدار می‌دهد که حتی پس از عادی شدن مسیر تنگه هرمز، حاشیه‌های پالایشی بالا باقی می‌مانند، زیرا بازسازی پالایشگاه‌های آسیب‌دیده ماه‌ها طول می‌کشد. یعنی مصرف‌کننده امریکایی احتمالاً سریع‌تر از شرکت نفتی از این بحران خارج نمی‌شود. این ترکیب درس مهمی برای هر اقتصاد وابسته به انرژی دارد: بحران انرژی منافع یکدستی تولید نمی‌کند و آن را به سمت حلقه‌ای هدایت می‌کند که در لحظه بحران، گلوگاه بازار می‌شود. این بار آن حلقه، پالایشگاه بود.

جزییات نحوه محاسبه تعرفه گاز مشترکان خانگی

مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران گفت: از مهر سال گذشته نحوه محاسبه قبوض گاز از ۱۲ پله به ۴ پله تغییر کرده و مبلغ قبض گاز مصرفی پله‌به‌پله افزایش می‌یابد. به گزارش مهر، سعید پاک‌سرشت مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران گفت: براساس نظام قیمت‌گذاری جدید گاز در بخش خانگی کلیه مشترکین گاز در چهار پله قرار می‌گیرند، پله اول مشترکین خوش مصرف ما هستند که طبق الگو مصرف می‌کنند و بالغ بر هفتاد درصد مشترکین را شامل می‌شود. وی افزود: پله دوم مشترکینی هستند که بیش از الگو مصرف می‌کنند ولی هنوز در حد متوسط قرار دارند که حدود هجده درصد از مشترکین ما هستند. پاک‌سرشت در مصاحبه با صداوسیما ادامه داد: پله سوم مشترکین پرمصرف هستند و حدود ۱۰ درصد از مشترکین در این محدوده قرار می‌گیرند و پله بالا پله چهارم که حدود دو درصد از مشترکین هستند که بسیار پرمصرف هستند. مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران افزود: تعرفه گاز در هر کدام از این پله‌ها مقدار مشخصی دارد؛ اگر فرض کنیم که پله چهارم تعرفه‌اش یکصد باشد نسبت پله یک، یک صدم پله چهارم است، پله دو، سه درصد پله چهارم و پله سه دوازده درصد. بدین ترتیب هر مشترکی به هر میزان در پله‌های مختلف مصرف گاز داشته باشد، تعرفه گاز مصرفی مطابق با آن پله محاسبه می‌شود. پاک‌سرشت گفت: مرز هر کدام از این پله‌ها با میانگین مصرف ۵ ساله هر شهر محاسبه می‌شود و در واقع مشترکان نسبت به همشهریان خود ارزیابی می‌شوند. وی اضافه کرد: هموطنان می‌توانند با مراجعه به سایت (my.nigc.ir) ارزیابی دقیقی از میزان گاز مصرفی خود نسبت به الگوی استاندارد مصرف به دست بیاورند و حتی طبق مصرف جاری میزان مصرف آینده و هزینه قبض مصرفی خود را پیش‌بینی کنند.

سناریوهای مدیریت مصرف گاز در زمستان تدوین شد

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از تدوین سناریوهای مدیریت مصرف برای استان‌های دارای تنش گازی خبر داد. به گزارش مهر، براساس اعلام وزارت نفت، سعید توکلی با اشاره به برنامه‌های شرکت ملی گاز ایران برای مدیریت مصرف گاز در استان‌های دارای تنش گازی گفت: خوشبختانه پس از باز گرداندن بخشی از گاز از دست‌رفته به شبکه، سناریوهای مربوط به همه استان‌های دارای تنش گازی برای مدیریت مصرف و بهینه‌سازی مصرف از طریق شرکت‌های کارور تدوین شده است. وی با اشاره به اینکه در این سناریوها، در صورت نیاز، محدودسازی مصرف و استفاده از سوخت جایگزین نیز پیش‌بینی شده است، تصریح کرد: همه سناریوها از سوی سازمان پدافند غیرعامل به‌صورت دقیق بررسی و تأیید و برای آنها مانورهایی نیز برگزار شده است و اکنون نقاط ضعف در حال برطرف‌شدن است. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با تأکید بر دغدغه‌مندی این شرکت برای تأمین پایدار گاز در فصل سرد سال بیان کرد: امیدواریم بتوانیم به بهترین شکل ممکن، گاز موجود در شبکه را مدیریت کنیم که در این مسیر، همراهی و همدلی مردم نقش بسیار مهمی دارد؛ زیرا بدون همکاری و مشارکت مردم، عبور از زمستان پیش‌رو، با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود، بسیار دشوار خواهد بود. توکلی با اشاره به برنامه‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی برای کاهش مصرف گاز افزود: در این زمینه، پویش «۲۰ درجه» و پویش‌های دیگری از جمله «اتاق گرم» را در دستور کار داریم. همچنین اقدام‌های مختلفی از سوی شرکت‌ها و بخش‌های گوناگون و با مشارکت مجموعه‌های دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی در حال انجام است. وی ابراز امیدواری کرد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی هر منطقه و همراهی مردم، زمینه کاهش مصرف گاز و مدیریت بهینه آن در فصل سرد سال فراهم شود.

توسعه جدید تهران و البرز منوط به تامین منابع آب شد

یک مسوول شورای عالی شهرسازی و معماری گفت: براساس مصوبه ساماندهی و تمرکززدایی از استان تهران و البرز، توسعه‌های جدید در این دو استان باید متناسب با ظرفیت منابع آب قابل تامین کشور انجام شود. محمد حب‌وطن، رییس گروه نظارت و توسعه حکمرانی آب و عضو کمیته‌های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در گفت‌وگو با مهر، درباره طرح ساماندهی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز گفت: کنترل بارگذاری‌های جمعیتی و صنعتی، اصلاح الگوی فضای سبز و کاهش مصرف آب کشاورزی، از مهم‌ترین محورهای این طرح برای جلوگیری از تشدید بحران‌های آبی و محیط‌زیستی در این دو استان است. وی افزود: طرح ساماندهی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز با هدف کنترل بارگذاری‌های جمعیتی، صنعتی و کشاورزی و متناسب‌سازی روند توسعه این دو استان با ظرفیت‌های اکولوژیکی و منابع آب، پس از بررسی در کمیته‌های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری و طی مراحل قانونی در دولت ابلاغ شده است. حب‌وطن با اشاره به بارگذاری بیش از ظرفیت اکولوژیکی تهران و البرز در دهه‌های گذشته بیان کرد: این مساله فشار قابل توجهی بر منابع آب، انرژی و محیط‌زیست این مناطق وارد کرده است و ضرورت داشت روند توسعه در این دو استان مورد بازنگری قرار گیرد. وی با تأکید بر اینکه یکی از محورهای مهم طرح ساماندهی و تمرکززدایی از تهران و البرز، کنترل توسعه کالبدی و محدودسازی ساخت‌وساز است، تصریح کرد: محدودسازی ساخت‌وساز به معنای توقف کامل آن نیست و نباید این دو مفهوم با یکدیگر اشتباه گرفته شوند. آنچه دنبال می‌شود، کنترل و محدود کردن توسعه‌های جدید براساس ظرفیت‌های واقعی این دو استان است. رییس گروه نظارت و توسعه حکمرانی آب و عضو کمیته‌های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران افزود: براساس این طرح، وزارت نیرو و دستگاه‌های متولی باید میزان منابع آب قابل تامین برای توسعه‌های مورد نظر را مشخص کنند تا هر گونه بارگذاری جدید متناسب با ظرفیت منابع موجود انجام شود. مصرف آب فضای سبز تهران حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود که بخش قابل توجهی از این مصرف به الگوی فعلی فضای سبز و استفاده از چمن اختصاص دارد و اصلاح این شیوه می‌تواند نقش مهمی در کاهش فشار بر منابع آبی پایتخت داشته باشد. وی اصلاح الگوی فضای سبز شهری را از دیگر محورهای طرح ساماندهی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز دانست و گفت: فضای سبز شهرها باید متناسب با اقلیم منطقه و منابع آبی قابل دسترس طراحی شود و نمی‌توان بدون توجه به شرایط اقلیمی، الگوی فضای سبز شهرهای پرباران را در مناطق خشک و نیمه‌خشک اجرا کرد. حب‌وطن با اشاره به تجربه شهرهای آریزونا و کالیفرنیا در امریکا یادآور شد: در این مناطق، استفاده از گونه‌های گیاهی بومی و کم‌آب‌بر و رویکرد خشک‌منظری مورد توجه قرار گرفته است. در این طرح نیز جایگزینی چمن و گونه‌های پرمصرف با پوشش‌های کم‌آب‌بر و اهداف کمی برای کاهش مصرف آب در نظر گرفته شده است. وی با بیان اینکه مصرف آب فضای سبز تهران حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود، تصریح کرد: بخش قابل توجهی از این مصرف به الگوی فعلی فضای سبز و استفاده از چمن اختصاص دارد و اصلاح این شیوه می‌تواند نقش مهمی در کاهش فشار بر منابع آبی پایتخت داشته باشد. رییس گروه نظارت و توسعه حکمرانی آب و عضو کمیته‌های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی را از دیگر محورهای طرح ساماندهی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز دانست و گفت: کاهش ۱۵ درصدی مصرف آب کشاورزی هدف‌گذاری شده و وزارت جهاد کشاورزی موظف است برنامه اجرایی تحقق این هدف را تدوین کند. انتقال بخشی از آب سد طالقان به تهران با هدف افزایش ظرفیت تامین آب پایتخت انجام شده است، اما افزایش عرضه به‌تنهایی پاسخگوی چالش‌های آبی نیست. وی با اشاره به تجربه مشهد افزود: زمانی که یک منطقه هم‌زمان به قطب کشاورزی، صنعتی و گردشگری تبدیل می‌شود، بدون در نظر گرفتن ظرفیت منابع طبیعی، با فشار مضاعف بر منابع آب و پیامدهایی مانند فرونشست زمین مواجه خواهد شد. بنابراین، در تهران نیز باید از تکرار چنین روندی جلوگیری شود. حب‌وطن مدیریت تامین و مصرف آب را از دیگر موضوعات مورد توجه در این طرح برشمرد و اظهار کرد: انتقال بخشی از آب سد طالقان به تهران با هدف افزایش ظرفیت تامین آب پایتخت انجام شده است، اما افزایش عرضه به‌تنهایی پاسخگوی چالش‌های آبی نیست و باید همزمان مدیریت مصرف نیز مورد توجه قرار گیرد. وی ادامه داد: در حوزه آب‌شرب نیز برنامه‌هایی برای نصب تجهیزات کاهنده مصرف در منازل شهروندان تهرانی در دستور کار شرکت آب و فاضلاب قرار گرفته است. همچنین پیش‌بینی مشوق‌های لازم برای ترغیب خانوارها به استفاده از این تجهیزات دنبال می‌شود که در صورت اجرای گسترده، می‌تواند تا حدود ۳۰ درصد مصرف آب شرب را کاهش دهد. حب‌وطن در پایان خاطرنشان کرد: تحقق اهداف طرح ساماندهی و تمرکززدایی از تهران و البرز مستلزم اجرای همزمان سیاست‌های کنترل بارگذاری، اصلاح الگوی توسعه شهری، مدیریت مصرف آب و بازنگری در فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی است تا روند توسعه این دو استان با ظرفیت‌های طبیعی و منابع قابل تامین هماهنگ شود.

رویداد

برخورد با ماینرهای غیرمجاز بازدارنده نیست

برخورد با ماینرهای غیرمجاز بازدارنده نیست و افراد پس از پرداخت جریمه مجددا به استخراج رمز ارز ادامه می‌دهند. به گزارش تسنیم، فعالیت ماینرهای غیرمجاز علاوه بر تحمیل مصرف مستمر و خارج از الگوی پیش‌بینی‌شده به شبکه برق، موجب استهلاک زودهنگام تجهیزات و آسیب به لوازم برقی مشترکان همجوار می‌شود، این در حالی است که به گفته مسوولان صنعت برق، بازدارنده نبودن برخوردهای قضایی و بازگشت برخی متخلفان به فعالیت پس از پرداخت جریمه، مقابله با این پدیده را با دشواری مواجه کرده است. هادی سفیدموو، مجری ساماندهی و ارزیابی استخراج رمزارز در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به بازدارنده نبودن برخوردهای فعلی با استخراج‌کنندگان غیرمجاز رمزارز اظهار کرد: یکی از بزرگ‌ترین موانع در مقابله با این پدیده، بازدارنده نبودن مجازات‌هاست؛ به‌طوری که برخی افراد پس از شناسایی و معرفی به مراجع قضایی و پرداخت جریمه تعیین‌شده، مجدداً فعالیت غیرمجاز خود را از سر می‌گیرند. وی افزود: حتی مواردی داشته‌ایم که یک فرد سه تا چهار بار شناسایی و با او برخورد شده، اما همچنان به فعالیت غیرمجاز خود ادامه داده است. امیدواریم طرح دوفوریتی تصویب‌شده در مجلس شورای اسلامی هرچه سریع‌تر به تصویب نهایی برسد تا با جرم‌انگاری این موضوع، امکان برخورد بازدارنده با متخلفان فراهم شود و شاهد تکرار تخلف از سوی افراد مشخص نباشیم. سفیدموو با تشریح خسارت‌های ناشی از فعالیت ماینرهای غیرمجاز به شبکه برق گفت: این خسارت‌ها در دو بخش قابل بررسی است؛ نخست، آسیب به تأسیسات شبکه و دوم، اضافه شدن یک مصرف‌کننده دایمی به شبکه برق. وی ادامه داد: شبکه‌های برق شهری و روستایی برای بارهای مصرفی متعارف و غیردایمی طراحی شده‌اند، اما اضافه شدن بار مستمر و مداوم ماینرها موجب افزایش استهلاک شبکه می‌شود. در شرایطی که عمر مفید این شبکه‌ها حدود ۲۰ تا ۲۵ سال برآورد می‌شود، مصرف مستمر ماینرها می‌تواند عمر تجهیزات را کاهش دهد و هزینه‌های بیشتری را به صنعت برق و کشور تحمیل کند. مجری ساماندهی و ارزیابی استخراج رمزارز تصریح کرد: آسیب دوم متوجه مشترکان همجوار محل فعالیت ماینرهاست؛ چراکه افت ولتاژ و نوسانات برق می‌تواند به لوازم برقی مشترکان از جمله یخچال، تلویزیون و رایانه آسیب وارد کند و هزینه‌های سنگین تعمیر و جایگزینی تجهیزات را به خانوارها تحمیل کند. وی درباره نحوه برخورد با مراکز استخراج غیرمجاز رمزارز اظهار کرد: با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، پلیس امنیت اقتصادی و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، بلافاصله پس از شناسایی محل و اخذ حکم قضایی، برای جمع‌آوری ماینرهای غیرمجاز اقدام می‌کنیم.

ادامه از صفحه اول

کالابرگ؛ آزمون دولت برای حفظ تاب‌آوری معیشتی

آزمون وسیع و هدفمند کردن حمایت‌ها می‌تواند در چارچوب یک سیاست رفاهی قابل بررسی باشد، اما نباید به ابزاری برای به تعویق انداختن اجرای تعهدات تبدیل شود. در شرایطی که خانوارها با افزایش هزینه‌های زندگی مواجهند، زمان‌بندی حمایت نیز به اندازه میزان آن اهمیت دارد. موضوع مهم‌تر، شرایط جنگی کشور است. در چنین وضعیتی باید اولویت‌های اقتصادی دولت با توجه به هدف اصلی دشمن، یعنی ایجاد فشار اجتماعی و تبدیل مشکلات اقتصادی به نارضایتی و تنش بازنگری شود. تاب‌آوری ملی صرفا به ظرفیت‌های دفاعی و امنیتی محدود نیست؛ توانایی خانوارها برای تامین نیازهای اولیه و اطمینان آنها از وجود حمایت موثر در شرایط دشوار نیز بخشی از این تاب‌آوری است. اگر فشارهای معیشتی بدون پاسخ مناسب افزایش پیدا کند، ظرفیت جامعه برای تحمل شرایط بحرانی تضعیف خواهد شد. یکی از موانعی که در برابر تداوم و تقویت کالابرگ مطرح می‌شود، نگرانی از کسری بودجه دولت است. این نگرانی واقعی است، زیرا کسری بودجه در صورت تامین از مسیرهای پولی و بدون کنترل می‌تواند زمینه‌ساز تورم‌های بالا و پایدار شود. اما مساله این است که نباید کسری بودجه را تنها از یک زاویه بررسی کرد. پرسش اصلی این است که دولت در شرایط فعلی چه ابزارهایی برای مدیریت آثار پولی هزینه‌های خود در اختیار دارد و چگونه می‌تواند میان تامین تعهدات معیشتی و کنترل نقدینگی تعادل برقرار کند؟ در اقتصاد ایران ابزارهای کنترل پولی و مدیریت رشد نقدینگی وجود دارند. اگر دولت برای اجرای تعهدات خود منابع